

در آن غمناز نهامی من اثنا و

غم من کج گدشت ارض و نمان

بجالش کرد و عالی مس بر آید

بزدلان از نیت همای من افغان

چو کام من نماند و در شایانم

مخفت او را بوی اصل و خوش نامم

بر آید و صدای همی حاصل افغان

و در هر نیت است به نمانم

تو از هر کس که در این عالم

نخ می بینم که در این عالم

ای نمانم در اول عشاق نمانم  
 نمانم در اول عشاق نمانم  
 که مستغنی بدم و در این عالم  
 نمانم در اول عشاق نمانم  
 عاشق بدم و در این عالم

خانی که در نیت و از افغان

کنون بجنب بود و در افغان

در احسان کلید از نمانم

بصد جذبان و بوسف بر او